

مقدمه

انسان موجودی است خلاق و پویا که طبعاً به دنبال موقعیت و بالندگی در زندگی خویش است، از این رو برای شکوفا نمودن استعدادها و رسیدن به آرمان های خود از هیچ کوششی فروگذار نبوده و سعی می کند که از توانمندی های خود به بهترین وجه استفاده کند تا به سر منزل مقصود برسد.

بررسی اهداف تعلیم و تربیت اسلامی نشان می دهد که مهم ترین نیازهای هر جامعه الهی، تربیت افراد متدینی است که با اتکا به نیروی ایمان، اراده، تعقل و منطقی بیندیشند و به جای وابستگی استفاده از دستاوردهای اقتصادی و فرهنگی دیگران خود مولد دانش و فناوری برای زندگی مستقل در عصر ایمان باشند.

تمام موفقیت های مادی و معنوی انسان در گرو اندیشه های دینی بارور، پویا و مؤثر است و همه افراد از ویژگی های مختلفی برخوردار هستند که باعث می شود آنان بتوانند مهارت های خود را در راه جدید به کار اندازد، بنابراین در عصر گسترش روزافزون اطلاعات و ارتباطات مسئله ای که پیش از هر چیزی توجه اولیاء و مربیان را به خود مشغول نموده است، چگونگی تربیتی دینی و پرورش نیروی نوآوری و شکوفایی انسان ها به ویژه نسل جوان است که به عنوان یک نیاز عالی و معنوی بشریت در تمام ابعاد زندگی آینده آنان مطرح است.

با عنایت به این که زندگی بشر در این دنیا فرازاها و فرودهای فراوانی دارد هر جامعه پیشرفته ای بدون تعلیم و تربیت قادر به حل مشکلات و رفع موانع نمی باشد و تنها در سایه آموزه های دینی و با استفاده از قرآن کریم و روایات معصومان (ع) می تواند به شکوفایی برسد. تحقیقات نشان می دهد که اگر افراد جامعه ای تنها به خود متکی باشد و از اندیشه های دینی بهره نگیرد، در میدان نوآوری و شکوفایی با شکست مواجه می شوند.

مکتب حیات بخش اسلام بهترین نوآوری را در شیوه ها و روش های تربیتی برای پیروان خود ارائه داده است که کشف و استفاده آنها ره توشه بزرگی برای پیروان این مکتب به شمار می آید و از نظر الگویی چنین شیوه ها روش هایی را می توان در قرآن کریم و نیز در زندگی عملی و رفتار و گفتار پیشوایان دینی و مربیان بزرگ بشریت جستجو کرد چون روش معصومان برگرفته از مکتب توحید و آموزه های دینی است و پیروی ازکامل ترین رهنمودهای تربیتی را به همراه دارد.

ما در این نوشتار به نقش تربیتی آموزه های دینی و تربیتی به معنای عام در عصر مدرن می پردازیم.

مفهوم شناسی دین و تربیت

1. مفهوم دین در زبان فارسی به معنای کیش، آیین و طریقت آمده است (1) و در زبان عربی نیز این واژه به معنای اطاعت، انقیاد و آیین و شریعت آمده است. (2) و در اصطلاح دین عبارت است از مجموعه گزاره های معتبر به جا مانده از مرجع یا مراجع فوق سوءال دین این گزاره ها می توانند در یک متن مشخص مکتوب باشند (قرآن، تورات و انجیل) و یا به صورت شفاهی از طریق معتبر نقل شده باشند به هر حال دین در اصل بر همین

مجموعه گزاره های خاص منطبق است و برای اشخاص معتقد به آن به صورت مجموعه اعتقادات احساسات و اعمال خاص تحقق می یابد. (3)

2. مفهوم تربیت تربیت از ماده «ربو» یا «رب» در لغت به معنای افزودن و رشد نمو کردن آمده است. و در اصطلاح تربیت عبارت است از هر گونه فعالیتی که معلمان، والدین یا هر شخص به منظور اثر گذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار فردی دیگر بر اساس اهداف از پیش معین انجام می دهد. البته این واژه بیشتر در خصوص کودکان به کار می رود که پرورش و هدایت است اخلاق و رفتار فرزندان را تا به مرحله بلوغ در بر می گیرد، در زبان فارسی واژه تربیت به معنای پرورتن، ادب و اخلاق را به کسی آموختن و پرورتن کودک تا هنگام بالغ شدن به کار رفته است واژه ترکیبی آن «تعلیم و تربیت نیز به معنای آموزش و پرورش آمده است». (4)

3. تربیت دینی با توجه به تعریفی که از دین و تربیت ارائه کردیم تربیت دینی عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به منظور آموزش گزاره های معتبر یک دین به افراد دیگر به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه ها متعهد و پایبند گردند.

بنابراین، تربیت دینی منحصر به مسجد، کلیسا یا مدرسه علمیه نمی شود، بلکه در هر جای ممکن است تلاش هدفدار به منظور آموزش معارف دینی صورت گیرد، خواه مسجد باشد یا خیابان یا منزل یا هر جای دیگر.

ابعاد تکامل از نگاه دین

در آموزه های دینی پیشرفت و تغییرات تنها در حوزه مسائل مادی و طبیعت خلاصه نمی شود بلکه در کنار پدیده های مادی و طبیعی که با حس ظاهری دیده می شوند پدیده های ماورائی و غیر مادی نیز وجود دارند که بذل توجه به آنها به زندگی معنای ویژه می بخشد و جهان مدرن که به انسان از یک بعد یعنی بعد مادی تجربی می نگرد نمی تواند به دستاوردهای خود بدون استثناء مشروعیت بخشد و این طور فکر کند که هرچه در قالب حس و تجربه در آید درست و غیر از آن را نادرست بداند ولی فرهنگ دینی علومی را می پذیرد که علاوه بر رفع نیازهای انسانی از مشروعیت اخلاقی و تربیتی نیز برخوردار باشد و به هویت انسانی و باورهای وی آسیب نرساند. پس اسلام چیزی را که اسلام تمدن می داند و آن را راهگشای معضلات انسانی به حساب می آورد که به دو بعد نیازهای انسانی توجه داشته باشد: «ما باید هم در مورد طبیعت و هم در مورد ماورای طبیعت فکر و گفت و گو کنیم ما (مسلم آنان) باید پیشرفت کنیم، اما پیشرفت و تصرف و تسلط بر طبیعت، هدف اصلی نیست. هم تفکر در جهان و هم تصرف در جهان لااقل تاجایی که به مسلم آنان مربوط می شود مفاهیم مدرنی نیستند، بلکه مفاهیم ریشه دار اسلامی اند، اما به مشابه غایت نیستند بلکه به عنوان وسیله حتما لازم اند، مادونوع پیشرفت داریم یک پیشرفت که مبنای آن توحید الهی است و نظریه دوم براساس ماده گرایی اصالت دنیا و سکولاریسم بنا نهاده شده است». (5)

وقتی مفهوم و جهت زندگی دگرگون شد، پیشرفت و تمدن مبتنی بر انکار ابدیت و آخرت و ماوراء طبیعت خواهد شد و در این نوع باور و گرایش ارزشها بر پایه مادیات بنا گذاشته می شود و در دنیای پیشرفته و مدرن انواع و اقسام نابسامانی ها و ناهنجاری های اخلاقی و تربیتی پدید می آید که اغلب ناشی از بی اعتنائی به ماورای

طبیعت و نادیده گرفتن آخرت و دنیای واپسین بوده است: «اگر انسانیت انسان و رشد و تعالی او دیده نشود و فقط منافع ملموس او مدنظر قرار گیرد، نتیجه اش این می شود که امروز بعد از دو قرن اعتقاد تشدید شده غلط و یک بعدی به پیشرفت و بی توجه به ابعاد دیگر به بی اعتقادی به پیشرفت و پسرفت و اصلاً به همه چیز رسیده ایم و به دوره نهیلیزم و پوچ پنداری به همه چیز. (6)

در دنیای مدرن زندگی همراه با تحول است، تغییرات عمیق و بسیار سریع فرهنگی و اجتماعی زندگی در دنیای مدرن بسیاری از جوامع انسانی را در رویا رویی با مسائل و مشکلات جدید زندگی دچار مشکل کرده است بطوری که اکثر انسان ها فاقد توانایی و مهارت های لازم در مقابله با چالش های زندگی اند. در نتیجه «آمار بالای خودکشی افسردگی، طلاق، اختلالات روانی، اعتیاد، قتل و در کنار آن مهم ترین عوامل مرگ و میر یعنی بیماری های قلبی عروقی، سوانح و حوادث گویای این امر است که زندگی در پستی دشوار تبدیل شده است . پیچیدگی روابط و مناسبات انسانی، نفوذ و گسترش وسایل ارتباط جمعی، تنوع در مصارف زیستی و فرهنگی به همراه افزایش جمعیت و مطالبات آزاد و از همه مهم تر تغییرات ایده ال ها و آرمان های بشر امروزی، زیستن را از وضعیت همگون و ساده به وضعیت ناهمگون، پیچیده و نامعین تبدیل کرده است و بر در هم تنیدگی زندگی جدید با لایه های عمیق و درونی آدمی افزوده است .

این وضعیت اگر چه از سویی به تحولات پرشتاب و پیچیده جامعه مدرن ربط دارد؛ اما از سوی دیگر مهمتر از آن به ناکار آمدی نهادهای سنتی خانواده، نظام آموزشی، تربیتی و سایر نهادهای فرهنگی ما بر می گردد. نظام خانوادگی و آموزشی ما نتوانسته خود را با تحولات ارزشی، فرهنگی و تکنولوژیک جامعه جدید وفق دهد. (7) در جهان مدرن زندگی انسان ها هر روز در حال تحول، تنوع و تغییر است و به هر حال زندگی مدرن، روش و شیوه پیچیده، چند لایه و تحول پذیر است که به مهارت های فراتر از آنچه که خانواده و مدرسه به انسان می آموزد نیاز دارد . مثلاً نیازهای انسان فراتر از تامین بهداشت، تامین رفاه مادی، فراهم کردن امکانات و وسائل پیشرفته و ... نیست بلکه تامین بهداشت روانی و ایمن کردن فرد در برابر آسیب های روانی و اجتماعی است . به عبارتی به او بیاموزد که چگونه از زندگی لذت ببرد و چه کار کند تا زندگی ایده ال داشته باشد و این هدف و توان زندگی در دنیای مدرن بسیار مهم و گرانبها است .

دنیای مدرن تمام حوزه های زندگی را تحت تاثیر قرار داده است . انسان امروزی که خود را در برابر یک دنیای تحول یافته می بیند و روز بروز بر نیازهایش افزوده می شود ناگزیر است برای زندگی بهتر و سعادت مند مهارت هایی را بدست آورد تا از پیچ و خم این بستر پر از تغییر و غیر ثابت بگذرد توانایی های انسان عصر مدرن به سه روش زیستن تقسیم می گردد که با بذل توجه به آنها زندگی لذت بخش می شود و برای روشن شدن این موضوع به آنها اشاره می گردد که عبارتند از توانایی های:

1. امرار معاش: مهارت ها و توانایی هایی در امر تهیه معاش مانند اینکه چگونه فرد مشغول کار شود و چه کاری بدست آورد که وی را در امر تهیه معاش در زندگی کمک کند و بدیهی است که در این مرحله افزایش سطح دانش و آگاهی انسان برای کسب یک حرفه ویژه در جامعه بسیاری ضروری است. درک زمینه های کار و توانایی او در انتخاب کار و شغل مناسب نه تنها چرخه معیشت افراد را می چرخاند بلکه نقش موثر در سلامت روانی و اجتماعی آنان نیز دارد.

2. مراقبت از خود: در مهارت های مراقبت از خود بیشتر مسائل فیزیکی انسان در نظر گرفته می شود و بخاطر حفظ سلامت جسمانی لحاظ می گردد مثلاً وقتی از «مصرف غذاهای سالم و درست مسواک زدن، ورزش و ...

مهارت هایی اند که به حفظ و نگهداری سلامت جسمانی افراد یاری می رسانند، بدون تردید این مهارت حاکم ارزش و بی اهمیت نیستند. سلامت روان و سلامت اجتماعی بر پایه های سلامتی جسمی استوار است. (8) هرچه انسان از سلامتی جسمانی و روحانی بهتر برخوردار باشد به همان میزان از زندگی لذت خواهد برد و بدون شک عقل سالم در بدن سالم است یعنی هر که لذت خواهد برد و بدون شک عقل سالم در بدن سالم است یعنی هر که بدن سالم دارد به همان اندازه شعور و اراده اش قوی تر خواهد بود.

3. آمادگی در برابر موقعیت های پرخطر: از آنجا که جامعه با توجه به جوامع دیگر در ارتباط بوده و روی هم تاثیر متقابل دارند، هر روز روبه پیشرفت و تنوع و دگرگونی است واز این رو در برابر تحولات تغییر پذیر فرد که در جهان مدرن زندگی می کند در یک فرایند روبه تحول و تغییر قرار دارد و ناگزیر است خود را با نیازهای نوتر و متنوع تر هماهنگ سازد و نیازهای خود را با آنها تطبیق دهد و خود را در برابر چالش های فراوری آماده سازد و با توجه به خطرات، پیشین و برنامه داشته باشد و در مواجهه با پیشامدها و خطرهای موقعیت های پرخطر آموزش ببیند و آمادگی پیدا نماید. «مثلا توانایی نه گفتن در مقابل فشار جمع جهت استفاده از مواد مخدر، توانایی مقابله با افسردگی در موقعیت های دشوار زندگی کنترل خشم و عصبانیت و ... در واقع مهمترین بخش از آموزش مهارت های زندگی به همین موضوعات مربوط می شود (9). دنیای جدید با رویکردهایی روبروست که اگر حرکت، بستر حرکت و ابزارهای حرکت به سمت پیش با توجه به نیازهای معنوی و طبیعی انسان تنظیم و تعدیل نگردد، نه تنها استفاده از ابزار که دستاورد دنیای مدرن است قادر نیست خواسته انسانی انسان را اشباع سازد و او را از گذرگاه های زندگی و چالش هایی که زاییده تنوع طلبی، توسعه خواهی و مادی گرایی است سالم بگذراند و آنچه که در شرایط حساس انسان را از آسیب های روانی اجتماعی در امان نگه می دارد و رفتار او را تعدیل و نحوه بهره داری از ارزش های مادی را به وی یاد می دهد، توجه به بایدها و نبایدهایی است که در دین اسلام وجود دارد و در بسترهای گوناگون تاریخی نقش تربیتی آن تجربه شده است ذکر پروردگار و تعبد به باورهای دینی در هر شرایطی از ایجاد نابسامانی های روانی و ناهنجاری های اجتماعی و تربیتی جلوگیری می کند و در صورت بروز آن را کاهش می دهد و بی هویتی و خلاء اخلاقی، تربیتی و شخصیتی که در دنیای مدرن هر روز روبه افزایش است با آموزه های دینی و تربیتی پر می شود و ترسیم درست از جایگاه آموزه های دینی در راستای تربیت و آموزش در دنیای مدرن و بررسی زوایای نیازهای مختلف انسان عصر حاضر به آموزه های دینی و ارایه راه حل جهت حل مشکلات، کاهش ناهنجاری ها و تعیین قالب و بستر حرکت به سمت توسعه از مهم ترین مسئولیت عالمان و نخبگان دینی است که رسالت اصلاح و هدایت و تربیتی جامعه را به عهده دارد و خواستار سرانجام مطلوب برای انسان است و در اندیشه ترمیم هویت انسانی هستند: «پیشرفت اعجاب انگیزی که متفکران بسیاری را مفتون خویش ساخته و در سیمای پایانه عقلانیست جلوه کرده است. انسان را از تعادل در حیات بیرون کرده و اضطراب و تزلزل در زندگی او ایجاد کرده که به شدت نیازمند کفه مهم دیگری از ترازوی حیات شده و چنانچه هر چه زودتر گم شده خویش را که «خویشستن خوش» است جستجو نکند، خطر سقوط و خسران جبران ناپذیر او را تهدید می کند».

انسان معاصر، بیش از هر زمان دیگری به «تعلیمات پیامبران» به طور عام و «آموزه های پیامبر خاتم» به طور خاصی محتاج است و اگر پیوند عمیق و ارتباط وثیق میان انسان مدرن با دین الهی دوباره برقرار نشود به یقین سقوط معنوی و به دنبال آن سقوط مادی و بازگشت به عصر آغازین پیدایش بیشتر در انتظار اوست. (10)

انسان همان طور که نیازهای بیرونی دارد، نیازهای درونی هم دارد و برون آموزه های و تربیتی تواند نیازهای خود را بر آورده سازد که خواسته های درونی و بیرونی او را همزمان مورد توجه قرار دهد. دنیا مدرن نتوانسته است

دستاوردهای صنعتی خود را با توجه به نیازهای انسان تولید کند. گر چه فناوری جدید و تکنولوژی عصر حاضر سرعت سرسام آوری دارد از جنبه های انسانی انسان و هویت ذاتی و نیازهای فطری او فاصله گرفته و از پیشینه تاریخی و ارزش های آسمانی دور می شوند .

اسلام و رهیافت های زندگی در دنیای مدرن

1. همزیستی در پرتو آموزه های دین همزیستی صحیح و مسالمت آمیز از مهمترین دغدغه های فکری دنیای مدرن است. دنیا متمدن علی رغم گسترش روز افزون و فراوانش تاکنون نتوانسته است که در این مورد چاره ای درست و مورد قبول بشریت بیندیشد و تنها کاری که در این راستا توانسته است انجام دهد ابزاری ساخته و در اختیار بشر قرار داده است تا بتواند جلوی متجاوز و قانون شکن را بگیرد و در حقیقت ابزار او حالت باز دارندگی دارد و اما فرهنگ خودبازداری به انسان ها نداده است و با وجود فراهم آوردن ابزار دفاع در برابر متجاوزین، قادر نبوده ترس و هیجان درونی را کاهش دهد .

و اما دین اسلام که آخرین دستورات خداوند برای بشریت است و علاوه بر توجه به ابزار باز دارنده از گناه و تجاوز، همراه، بلکه پیش از آن انسانیت را از درون متحول می سازد و راه حل منطقی و عقل پسند را سرراش قرار می دهد : «اسلام کاملترین مکتب الهی و جهانی است که با مقررات حکیمانه خود زمینه های صلح و همزیستی مسالمت آمیز را برای همه انسان ها از هر مکتب و مرام فراهم آورده است اسلام با احترام به کرامت انسانها، تحمیل عقیده، ستم با پیروان سایر ادیان و مکاتب را روا نمی داند و همگان را به زندگی عدالت مدارانه دعوت می کند . این حقیقت در حکومت پیامبر اعظم (ص) در متن جامعه تحقق یافت و همه گروه ها با اختلاف مکتب و مرام در جامعه ای واحد و با رهبری یک انسان عادل در کنار هم زندگی مسالمت آمیز داشتند در دنیای مدرن همزیستی دوستانه و صلح آمیز موضوع بسیار گسترده ای است که ابعاد گوناگون زندگی انسان ها را در بر می گیرد و از یک سو مکتب های سیاسی و اعتقادی نیز می گردد و در رابطه با ایجاد امنیت در حوزه های گوناگون زندگی اسلام تدابیر منطقی اندیشیده است که در این قسمت از مقاله به برخی از راه کارهای اسلام و قرآن در ایجاد امنیت انسانی اشاره می گردد. گفتنی است که اسلام برنامه های جامعی دارد که به زمان و مکان خاصی محدود نمی شود و در تمام بسترها جذابیت و نوآوری خود را حفظ می کند و در دنیای مدرن با توجه به رشد عقلانی انسان ها جایگاه بیشتری پیدا کرده است برخی از آن دسته از دستاوردهای دین اسلام در دنیای پیشرفته و مدرن به شرح زیر است:

2. عدالتخواهی در حق همه انسان ها از جمله مسائلی که در عصر حاضر زمینه به وجود آمدن چالش های اجتماعی را فراهم آورده و صلح و امنیت اجتماعی را برهم می زند تجاوز به حقوق انسان هاست. اسلام در طول تاریخ با نامشروع دانستن تجاوز به حقوق دیگران زندگی آرام و مشروع را برای پیروان خود و سایر امت ها فراهم آورده است زمینه های تعدی و ظلم به حقوق دیگران را در بی عدالتی می داند و بر این باور است که هرگاه احساس برادری انسانی افزایش یابد و رعایت به حقوق دیگران توجه شود بدون تردید برای تمام بشریت زندگی مسالمت آمیز به وجود خواهد آمد و این دستاورد فکری سیاسی و اجتماعی در عصر حاضر بیش از گذشته ضرورت می یابد .

از نظر اسلام ظلم در هر زمان و مکانی که باشد ناپسند و زشت است و بر عکس عدالت نسبت به همه انسان ها

مطلوب و لازم می باشد و پروردگار انسان را ذاتا طرفدار عدالت آفریده و رسولان خود را برای احیاء این امر ارزشمند فرستاده است قرآن کریم در این باره چنین فرموده است: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (11) ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و نیز در آیه دیگری از قرآن چنین آمده است: «قل امر ربی بالقسط» (12) بگو پرورگارم مرا به قسط و عدل دستور داده است.

آیه دیگری از قرآن مجید عدالت پروری را از نشانه های دوری از گناه و تقوی می داند: «ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند به عدالت رفتار کنید که به پرهیزکاری نزدیک تر است و از (معصیت) خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می دهید با خبر است. (13) در کتب روایی نیز به این امر خطیر اشاره شده است که به علت محدود بودن این ظرفیت به نمونه ای از سخنان گهربار امام علی (ع) اشاره می گردد امام علی (ع) در نامه ای که به محمد بن ابی بکر نماینده خود در مصر نوشت رعایت عدالت نسبت به همگان را مورد سفارش قرار داد: «بال های محبت را برای آنها بگستر! و پهلوی نرمش و ملایمت را بر زمین بگذار! چهره خویش را برای آنها گشاده دار، و تساوی در بین آنها حتی در نگاهت مراعات کن تا بزرگان کشور در حمایت بی بدیل تو طمع نورزند و ضعفا در انجام عدالت از تو مایوس نشوند». (14)

3. توجه به کرامت انسان ها در حوزه آموزه های دینی توجه به جایگاه و کرامت انسانی شده و به طوری که توجه در هیچ یک از مکاتب دیگر نشده است و آن رو اسلام به کرامت انسانی انسان توجه کرده است که خواسته در سایه آن با آرامش روحی و امنیت خاطر زندگی کنند و بر عکس «تحقیر توهین و حرمت ننهادن به جان، مال و ناموس دیگران از مسائلی است که می تواند آرامش اجتماعی را به درگیری و ستیز بکشاند اسلام با پاس داشتن کرامت انسانها از هر مکتب و مرام، زمینه این امر را بی روح از بین برده است از نظر اسلام تا زمانی که افراد کرامت جامه بشری و انسان های دیگر را پاس می دارند، جان، مال ناموس و عرض آنان دارای حرمت است و کسی حق تعرض به آنها را ندارد» (15) در قرآن کریم به کرامت و حرمت انسانی اشاره شده و از برتری آن نسبت به سایر موجودات نام برده: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنْ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَا هُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْصِيلاً» (16) ما آدمیازدگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکبهای را هوار) حمل کردیم و از انواع روزی های پاکیزه به آنان روزی دادیم و را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم برتری بخشیدیم در اسلام به حقوق و دارایی های مردم اهمیت داده شده است و بر خلاف دنیای مدرن که محدودیت در بدست آوردن ثروت و سایر حقوق قائل نیست به حقوق همه انسان ها توجه شده و حتی اگر مسلمان نباشد: «لاتبخسوا الناس اشیائهم» (17) یعنی از چیزهای مردم نگاهید .

وقتی در آموزه های دین اسلام سفارش می شود که حقوق دیگران را رعایت کنید و به تجاوز ننمایید به این معناست که هرکس باشد (کافر یا مسلمان) آن را احترام بگذارید در این سفارش تنها به حقوق مالی تکیه نشده بلکه تمام حوزه های حقوقی را در برمی گیرد و حتی از دشنام دادن به اشخاص و معبودهای دیگران نهی شده است. (18) و آنچه که مورد توجه و تاکید اسلام است احترام به کرامت انسان ها به طور عموم می باشد که شامل کرامت ذاتی و اکتسابی هر دو می شود و در تاریخ زندگانی رسول اکرم (ص) و سایر پیشوایان معصوم (ع) دیده نشده است که به حرمت و کرامت انسانی بی احترامی و یا حرمت آن را شکسته باشند، ولی در دنیای مدرن

به انواع مختلف حرمت انسان ها شکسته می شود و آنچه که می تواند در دنیای جدید از حرمت شکنی انسان ها جلوگیری کند توجه به آموزه های دینی و تربیتی اسلام است.

4. پایبندی به پیمان ها در فرهنگ دینی پایبندی به پیمان های اجتماعی، اقتصادی نظامی و سیاسی به عنوان یک امر اخلاقی و دینی بسیار سفارش شده است ضرورت توجه به این امر در عصر ارتباطات و دنیای مدرن بیش از گذشته به نظر می رسد، زیرا یکی از اصول اساسی در تنظیم و سازماندهی تعاملات اقتصادی، نظامی و سیاسی در دنیای جدید است که میان دولت ها، گروه ها و سازمان های اجتماعی به وجود می آید مسئله تعهد به پیمان ها و از عمده ترین دغدغه های فکری در عرصه روابط جهانی میزان و استمرار وفاداری به پیمان های منعقد می باشد و آنچه از آموزه های دینی و تربیتی بدست می آید پایبندی به تعهدات است و نقض پیمان ها را تازمانی که طرف قرار داد آن را نقض نکرده حرام می داند و خداوند در قرآن در این خصوص فرموده است: «و اوفوا بالعهد ان العهد کان مسئولا» (19) به پیمان وفا کنید، چراکه از پیمان پرسیده خواهد شد. و نیز در مورد عدم نقض پیمان تا زمانی که طرف مقابل پایبندی دارد فرموده است: «فاستقاموا لکم فاستقیموا لهم» (20) تا زمانی که در برابر شما وفا دارند شما نیز وفاداری می کنید.

رسول خدا (ص) الگوی راستی، صداقت و پایبندی به تعهدات بود و هیچگاه دیده نشده که پیمانی را نادیده بگیرد و تا زمانی که طرف مقابل به آن وفادار باشد ایشان آن را نقض نماید امام علی (ع) در توصیف پیامبر اکرم چنین فرموده است: «کان اجود الناس کفا و اجرا و الناس صدرا و اصدق الناس الهجه و امر فاهم ذمه» (21) پیامبر (ص) بخشنده ترین پرجراترین، راستگوترین و وفاکننده ترین مردم به عهد و پیمان بود.

از مصادیق روشن درباب پایبندی رسول اکرم (ص) به پیمان ها، پیمانی است که آن حضرت با کفار قریش بست و کوچکترین تخطی از آن نکرد در اینجا برای روشن شدن موضوع به دو نمونه بارز آن اشاره می گردد.

ابو بصیر ثقفی در مکه زندانی بود پس از چندی از حبس گریخت و رهسپار مدینه شد مشرکان مکه به پیامبر خدا نامه نوشتند که او را برگرداند. رسول خدا به ابو بصیر: «می دانی ما با آنها قرار می گذاشتیم در دین ما شایسته نیست که پیمان شکنی کنیم و اما خدای تعالی برای تو و دیگر بیچارگان مسلمان فرج و گشایش عنایت خواهد کرد پس به سوی قبله است بازگرد». (22) تا آنجا رسول خدا به پیمان ها وفادار بود که در صورت خلاف پیمان رفتار می شد و حتی از نزدیکترین کسان ایشان به شکلی اظهار وفاداری می فرمود شخصی بنام «عمرو بن امیه» هنگامی که رهسپار مدینه بود. در مسیر راه دو نفر از قبیله بنی عامر را که خوابیده بودند به قتل رسانید و او از عهد و پیمانی که میان رسول خدا (ص) و قبیله بنی عامر وجود داشت بی اطلاع بود. وقتی به مدینه رسید. رسول خدا (ص) را در جریان کشتن آن دو نفر گذاشت. حضرت پیامبر (ص) فرمود: دو نفر مرد را کشته ام که باید دیه آنها را بدهم. آنگاه دیه آن دو نفر را مطابق دیه مسلم آنان آزاد پرداخت و نیز جامه و سلاحشان را نزد عامر بن طفیل فرستاد و از این پیشامد عذر خواهی کرد. (23)

به هر روی اسلام همواره به پیمان ها احترام می گذاشته و پیروان خود را توصیه می کند که در هیچ شرایط زمانی و مکانی نباید آن را فراموش کرد و از آنجا که دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی اسلامی در یک مقطع زمانی محدود نمی گردد و در هر زمان بشریت به آن نیاز دارد پس در دنیای جدید نیز مقررات دارد و از همان جایگاه که در گذشته برخوردار بود و توانست در عصر جاهلیت به تمدن سازی و نوآوری های علمی بپردازد، در شرایط حاضر نیز از همان تازگی برخوردار بوده و قادر است معضلات موجود جهانی را در حوزه های گوناگون که بشریت دچارش

شده است کاهش دهد احترام به منافع شخصی افراد حفظ حریم خصوصی در مالکیت و غیره

5. اسلام و حل اصطکاک منافع در آموزه ها شریعت اسلام و دستاوردهای فکری رسول اکرم و سایر معصومان (ع) دیده می شود که تناقض اجتماعی و تضاد منافع را به طور منطقی حل کرده اند و راهکارهای قابل عمل را سرراه پیروان خود قرار داده اند و آن جا که کشمکش ها سر منافع است و در اسلام مقدم داشتن منافع و مصالح عمومی بر خواسته ها و منافع شخصی جزو ویژگی های خود گذشتگی وجود داشته است و این راه بدرستی تجربه شده و آثار و پیامدهای فراوانی در پی داشته است پس با اقتباس از آن آموزه ها در عصر مدرن و زندگی ماشینی می توان جلوی ناهنجاری های تربیتی، اجتماعی و چالش های سیاسی و اقتصادی را گرفت و از تزاخم و اصطکاک منافع جلوگیری نمود اسلام برای کم کردن این نوع درگیری ها زمینه سازی برای آرامش اجتماعی همگانی، به عفو و گذشت در حقوق شخصی دعوت می کند. قرآن کریم در این زمینه فرموده است: «ولیعفو و لیصفحوا الاتحبون ان یغفرالله لکم و الله غفور رحیم» (24) آنها باید عفو کنند و چشم بپوشند، آیا دوست نمی دارید خداوند شما را ببخشد! خداوند آمرزنده و مهربان است .

رسول خدا (ص) وقتی وارد مکه شد: «همه کسانی که به شخص ایشان و یارانش ستم روا داشته بودند مورد عفو قرار داد و با توجه به اقتداری که پیدا کرده بود از هیچ کس انتقام نگرفت و در مقابل کسی که گفت: «الیوم یوم الملحمه» اعلام فرمود: «الیوم یوم المرحمه» (25) ابو عبدالله جدلی می گوید: گویی به پیامبر می نگرم که همانند پیامبری از پیامبران بود که قومش او را زدند و خونی اش کردند و او در حالی که خون از چهره اش مزدود گفت: خدایا! از قوم من درگذر که آنها نمی دانند. (26) به هر حال دین اسلام دارای مقررات و اصول منطقی و هماهنگ با فطرت انسان هاست که می تواند جهان معاصر و پیشرفته را با همه اختلافات فکری و دینی و سیاسی اقتصادی دارد اداره کند و با چالش های آن به مقابله برخیزد و راه حل درست فراراه بشریت بگذارد و فرهنگ تعاون، همزیستی مسالمت آمیز و تقدم منافع عام بر مصالح شخصی را گسترش دهد.

6. نقش دین اسلام در تعدیل نگرش دین اسلام با توجه به آنکه به انسان جهان بینی و شناخت بخصوصی می دهد و رابطه ای که بین دین و دنیا به وجود می آورد نگرش انسان را نسبت پدیده های دنیا و پدیده های ماورای طبیعت متحول می سازد و برخلاف مسیحیت امروزی تنها آخرت گرا، یهودیت که به امور دنیا و مادی می اندیشد، بین نیازهای مادی و معنوی و یا به عبارتی میان دنیا و آخرت جمع کرده است و در نگاه دین اسلام دنیا و آخرت از هم نیستند، بلکه دنیا مقدمه و گذرگاه است که سرانجامش به قیامت می رسد و در روایات دنیا مزرعه و کشتزار آخرت می باشد و با توجه به رابطه دنیا و آخرت رویا به این دو جهان انسان در هر دو جهان سعادت مند می گردد: «ایمان مذهبی تنها تکلیف برای انسان تعیین نمی کند و بلکه قیافه جهان را در نظر انسان تغییر داد و جهان خشک و مرد مکانیکی و مادی رابه جهان جاندار و ذی شعور و آگاه تبدیل می کند. ایمان مذهبی تلقی انسان را نسبت به جهان و خلقت دگرگون می سازد» (27) دین اسلام با آموزه های کارآمد خود برای تامین نیازهای فطری انسان و رساندن او به کمالات انسانی آمده است و بنابراین در عرصه زندگی هرچه وی نیاز داشته باشد، باید او را پوشش دهند و زمان ها و مکان ها نمی توانند او را از نوآوری و تازگی ها و پویایی باز دارند و بدیهی است که در مواجهه با مشکلات زندگی راه حل ارایه می دهد و نشان می دهد که کار ویژه ها، آثار و فواید دین در تمام مراحل حیات انسانی راهگشا و آموزنده است و در مواردی هم آموزه های دین اسلام نقش انحصاری دارد و تمام قلمرو

نیازها را در بر می گیرد و بسیار از ارزش ها مانند امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، انسجام، مسئولیت پذیری بذل توجه به کرامت انسانی و... که امروزه در عصر مدرن دولت ها و ملت ها به دنبال آن هستند و بسیار کم رنگ شده است، از طریق آگاهی و عمل به آموزه های دین اسلام به نحو آسان تر بدست آمدن است .

7. دیدگاه جامع اسلام نسبت به دنیا و آخرت دین مقدس اسلام با توجه به شناختی که نسبت به انسان می دهد رابطه دنیا و آخرت را طوری تنظیم می کند که هر کدام کامل کننده دیگری می باشد و در تغییر از دنیا و آخرت دیدگاه میانگین دارد که نه به مسیحیت که آخرت گراست می خورد و نه به یهودیت که دنیاگرا است شباهت دارد و در نگاه اسلام دنیا و آخرت از هم جدا نیستند و در حقیقت آخرت از همین دنیا می گذرد و آنچه در این تلاش می شود در آن دنیا بهره می گیرد و از این

رو با استفاده از راهکارهای تربیتی که در آموزه های دین اسلام وجود دارد. دنیای مدرن می تواند خلاءهای موجود در حوزه معنویت را پر کند و از چالش های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی جلوگیری نماید و در این نقش مثبت که از دین انتظار می رود حتی خود متفکران غربی که خود را صاحب پیشرفت در دنیای مدرن می دانند اعتراف دارند و بخصوص از دین اسلام نام می برند نیچه که یکی از تئوری پردازان غربی به حساب آید و جایگاه ویژه ای در حوزه دانش و علوم انسانی دارد در این مورد گفته است: «اگر اسلام مسیحیت را خوار می شمارد، در این کار هزاران بار حق با اوست وجود اسلام مستلزم وجود مردان است».

مسیحیت میوه فرهنگ جهان کهن را از ما به یغما برد و بعدها میوه فرهنگ اسلامی را نیز از دست ما ربود جهان شگفت انگیز اعراب اسپانیا که از بنیاد با ما بیشتر بستگی داشت، با ادراک ها و ذوق های ما صریح تر از یونان و روم سخن گفت، لگدکوب شد. زیرا این فرهنگ شریف بود و خواستگاه خود را به غریزه های مردانه مدیون بود زیرا حتی در گنجینه نادر و عالی زندگانی اعراب اسپانیا، باز به زندگانی آری می گفت و بعدها جنگجویان صلیبی برضد چیزی جنگیدند که بهتر بود در برابرش به خاک می افتادند، فرهنگی که حتی قرن نوزدهم ما باید خود را بس ناتوان و دیر آمده تصور کند (28) برداشت این اندیشمند غربی از اسلام هر چند که مربوط به تمام ویژگی های اسلام در مورد زندگی انسان ها نمی شود ولی باز هم واقعیت بخشی از آموزه های دین اسلام را به تصویر کشیده است وی که از جمله متفکران دنیا گراست به آن دسته از آموزه های اسلام توجه کرده است که جنبه مادی و دنیایی دارد و متأسفانه از آن دسته از قوانین اسلام چشم پوشی کرده است که با مرام و اهداف وی سازگار نبوده و آنچه که او از آن غافل مانده که در حقیقت ویژگی منحصر به فرد دین اسلام نسبت به سایر ادیان است همانا پیوند و اتصال دنیا و آخرت است: «حتی تقدم و تاخیر به ظاهر موجود میان این دو نشئه حیات نیز نمی تواند این دو دنیا را از هم جدا سازد. آنها در هم آمیخته و با هم اند یعنی همانطور که سرگذشت دنیوی انسان سرنوشت اخری او را رقم می زند معادشناسی او نیز در لحظه لحظه حیات این جهانی او تأثیر گذار است» (29). در اسلام میان دنیا و آخر هر چند بعد زمانی وجود دارد ولی دنیا از مقدمات و زمینه های رسیدن به قیامت و رستخیز است یعنی به این معنا که هرچه ادمی در این دنیا بهتر تلاش ورزد در دنیای واپسین محصول تلاش خود را بدست می آورد و با توجه به نگرش اسلام نسبت به زندگی در این دنیا، وجود آموزه هایی در باب بایدها و نبایدها در این جهان و رابطه دنیا و آخرت، اگر دنیای مدرن از آموزه های مکتب اسلام مایه بگیرد بدون تردید می تواند با چالش های فراگیر و رویکردهای جدید مقابله کند و نابسامانی های اجتماعی و اخلاقی را کاهش بخشد.

8. اسلام و تمدن در آموزه های دین اسلام با نوآوری و پیشرفت در حوزه صنعت و تکنولوژی و سایر دستاوردهایی که نیازهای مادی انسان را تامین کند مخالفتی وجود ندارد و آنچه که از نگاه دین اسلام از اهمیت برخوردار است، بذل توجه همزمان به نیازهای جسمی و روانی و اخلاقی انسان ها می باشد که متأسفانه در نوآوری های جدید به چشم نمی خورد و در میان اغلب کشورها و ملت ها تمدن و تجدد با هم مشتبه شده است از یک سو لازمه پیشرفت در زمینه های علوم و فنون را در فاصله از آموزه های دینی دانند و از جانی به جای تغییر در ساختار ظاهر زندگی در باورهای اعتقادی و اجتماعی خود تجدید نظر می کنند و از سوی دیگر با تغییر دکور منزل لباس و آراستگی ظاهری بدن خود را متمدن می دانند ولی آنچه که اسلام می گوید . تغییر در ساختار زندگی انسان پدید آید و نه آنکه در پرتو فناوری، نگرش انسان ها نسبت به دین، انسان و آخرت دگرگون شود وقتی دنیای مدرن گفته می شود یعنی دنیای جدید است و متحول شده است: «مدرنیته از ریشه لاتینی modo به معنای تحول و تجدد است و مدرن یعنی آنچه جدید است و یا متحول شده و مدرنیسم به معنای تجدد گرایی و یا گرایش به تجدد و مدرنیته به معنای خود تجدد است و مدرنیسم نیز به معنای این است که قومی یا از روی شوق و رغبت و میل و یا اینکه از روی مهر و جبر و فشار به تجدد روی بیاورند و چنان که در بعضی از کشورها این امر روی داده است که شخص و یا گروهی مدرنیته را تحمیل و یا گرایش به تجدد را تسریع کرده اند و این را به اصطلاح مدرنیسم می گویند... اما مدرنیسم رویکردی به جهان است که با رویکرد پیش از آن به جهان تفاوت دارد و به این جهت آن را مدرن گویند که یک تلقی و رویکرد از انسان و از دین، از جهان، از علم و از فلسفه هست که با آن تلقی و رویکرد که پیش از آن دیده می شد، چه در اروپای پیش از آن یعنی در قرون وسطی و یا در دوره یونان چه در تمدن های دیگر نظیر تمدن ایران، اسلام و تمدن چین و تمدن های غربی اروپایی بیگانه بوده است (30) و به هر روی آنچه در دنیای مدرن پیش آمده است تغییر در تمام حوزه های زندگی مادی و معنوی انسان ها می باشد و حتی در هویت خود انسان زیرا تلقی از انسان مبتنی بر نوعی بشرمداری است که صاحبان تمدن در عصر مدرن آن را ترویج می کنند و از آن به «اومانیزم» تعبیر می کنند که بتدریج از خدا محوری به انسان مداری تنزل یافته و انسان مرکز هستی و وجود قرار گرفته است .

اسلام به انسان و هویت واقعی و نیازهای وی از منظر اسلام هیچ تغییری نکرده و در عصر مدرن انسان همان است که در سابق بوده و هر چند که قالب ها و شیوه ها تغییر و تحول یافته است

نتیجه

در آموزه های دین اسلام اصول ثابت وجود دارد که باگذشت زمان تغییر ناپذیر است ولی در مدرنیته یک شکل وجودی مطرح است و آن شکل وجودی جامعه است و تغییر جامعه است که در پرتو تحول خودش اندیشه و باورها را شکل می دهد و این اندیشه خود مختار نسبت به شیوه زندگی وجود جهان و نسبت به تمام پدیده های اساسی زندگی تعریف خاصی ارایه می دهد و ترویج کننده افکار و شیوه زندگی رسانه ها و دولت هاست.

پی نوشت ها :

1. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج 23، شماره مسلسل 28، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران سال 1335.
2. آذربایجانی، مسعود، آزمون جهت گیری و مذهبی و... ص 31 به نقل از مشکور، محمد جواد (خلاصه ادیان در

- تاریخ دنیای بزرگ.
3. همان، ص 33.
 4. لغت دهخدا، ج 14، ص 295.
 5. ازغدی، رحیم پور، دنیای مدرن آب و یا سراب، نشریه ایران : 21، 84، 9.
 6. همان.
 7. صائمی، سید رضا، دنیای مدرن، و آموزش مهارت های زندگی: نشریه شرق 22/10/83، ص 1.
 8. همان، ص 2
 9. همان.
 10. طالب تاش، عبدالمجید، آموزه های پیامبر اسلام در دنیای مدرن: نشر گلستان شماره 17، ص 1.
 11. قرآن کریم، سوره حدید، آیه 25
 12. سوره اعراف، آیه 29
 13. سوره مائده، آیه 8
 14. نهج البلاغه، نامه 28.
 15. ابن هشام، عبدالمملک، سیره النبوی، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت: ص 282 و عبدالمحمدی، حسین، تسامح و تساحل از دیدگاه قرآن و عترت ص 130.
 16. سوره اسراء، آیه 70
 17. اعراف، آیه 85 هود. 85 شعرا چاپ ظفر سال 1381.
 18. سوره انعام، آیه 108
 19. سوره اسراء، آیه 34
 20. سوره توبه، آیه 7
 21. مجلس، محمدباقر، بحار الانوار، ج 16، ص 231 بیروت: موسسه الوفا سال 1403.
 22. ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ خلدون، ج 2، ص 25، بیروت دار احیاء التراث العربی.
 23. بحار الانوار، ج 20، ص 157.
 24. سوره نور، آیه 22.
 25. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 17، ص 273، تحقیق، محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت دار احیاء التراث العربی سال 1410.
 26. بخاری، صحیح بخاری، ج 6، ص 123 دارالفکر سال 1401.
 27. مطهری، مرتضی، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، تهران، انتشارات صدرا 1379.
 28. نیچه، فردریک ویلهم، دجال، ترجمه عبدالعلی دستغیب، ص 131، تهران: آگاه 1352.
 29. شجاعی وزند، علی رضا، دین تمام زندگی، مجله حکومت اسلامی شماره 22 ص 28، سال هشتم 1380.
 30. سروش اندیشه، انتشارات سروش، شماره 4/3، ص 246، سال اول 1381.